



در آن دوران برای گذران زندگی چه کاری می‌کردید؟
خانه پدرم بود و پدرم حوالی امامزاده قاسم سوپری و ماست بندی داشت و بعدا هم تعمیرگاهی تاسیس کرد و من هم کار می‌کردم. عمومیم که بعدا در فتح خرمشهر شهید شد در معازنه به ما کمک می‌کرد.

آیا در ساخت جنگ اطهر با محمد علی نجفی همکاری داشتید؟
آن زمان (سال ۵۴) یک سالی زندان بودم.

به چه دلیل زندانی شدید؟
تحت تاثیر فضای چریک بازی آن سالها می‌خواستیم کار مسلحانه کنیم که با دستگیری عملی نشد.

در آن سالها گروه فرقان در گروه حلقه معروف به قلهک فعالیتش را شروع کرده بود. آیا با گروه فرقان هم در آن دوران ارتباط داشتید؟
من ارتباطی نداشتم. اما خیلی از آنها را می‌شناختم.

در زندان با چه کسانی هم بند بودید؟
بیشتر اعضا مجاهدین مثل سعید شاهشوندی، عباس داوری، محمدی گرگانی و...

آیا در زندان با چپ‌ها ارتباط داشتید؟
ارتباط وجود داشت و بحث داشتیم و در کمیته مشترک خرابکاری زندان بودم.

آیا شکنجه هم شدید؟
کمی هم مورد لطف شکنجه‌گران با کابل و آتیش سیگار قرار گرفتیم.

آیا اسم از شما می‌خواستند تا کسی را لو بدهید؟
از هر زندانی این سوالات را می‌پرسیدند و قاعده بر این بود بعد از ۲۴ ساعت برخی از اطلاعات را لو بدهیم تا زیاد شکنجه نشویم. وحید افراخته عضو بریده گروه مجاهدین از من در کنار بازجو ساواک بازجویی کرد.

آیا در زندان در نگاهتان تغییری به وجود آمد؟
با نگرش اسلامی - انقلابی بیشتر آشنا شدم.

هیچ وقت آدم رادیکالی نبودید؟
نه، همیشه میانه رو بودم.

آیا بعد از آزادی از طرف حسینی ارشاد با شما تماسی گرفته شد؟
تا مدتی تحت نظر بودم و بچه‌ها احتیاط می‌کردند که با من تماس بگیرند و بتدریج ارتباط برقرار شد.

بعد از آزادی چه کارهایی انجام دادید؟
در دانشگاه دوباره با کلی دردسر نام نویسی کردم و لیسانس گرفتم ده سال تا سال ۶۲ طول کشید.

در بعد از انقلاب مسیر کاریتان چگونه رقم خورد؟
درگیر تظاهرات و پیروزی انقلاب بودم.

از چگونگی شکل گیری جمع بنیان گذران سینمای نوین ایران شامل شما، محمد بهشتی، فخرالدین انوار و محمد علی نجفی بگوئید...

اوایل انقلاب رفتم آموزش و پرورش و مشغول تدریس بودم. یکی از دوستان تلویزیونی ام زنگ زد و گفت پاشو بیا و حرف بزنی. رفتم به دیدار مدیر سازمان صدا و سیما که در آن زمان دکتر علی لاریجانی بود و به مدیر شبکه گفت فلانی تجربیات هنری دارد از این تجربیات استفاده کنید و در جلسه عنوان کردم در این زمان کمبود فیلم و سریال یکی از نقاط ضعف سازمان است و دوست دارم در این زمینه کار کنم و رفتم گروه فیلم و سریال که آن زمان مدیرش آقای اسماعیلی با کمک شهرام اسدی بود. بعد از رفتن سفر ایشان به خارج از کشور من مشغول رسیدگی به امورات شدم. در آن زمان طرح ساخت «مرگ یزد گرد» بهرام بیضایی صادر شده بود و تمام برآوردهای بودجه‌اش تحت نظر من بود. در همین زمان حکم مدیریت گروه فیلم و سریال علی رغم میل من ابلاغ شد. رفقای قدیمی مثل بهشتی، آلاپوش

هم حضور داشتند. موقعی که انوار مدیر شبکه شد و با هم صحبت کردیم که بهشتی مدیر گروه فیلم و سریال بشود و من همچنان در کنارش بودم تا زمان حضور علی جنتی که بهشتی استعفا داد و من دوباره مدیر این بخش شدم. در این دو ساله مدیریتم خیلی از سریال‌های ماندگار تلویزیون نظیر «سربداران» و... ساخته شد.

آیا با توجه به شناخت و اعتماد که به نجفی داشتید کارگردانی این سریال بیگ پرداختن را به او سپردید؟
بر اساس خرد جمعی این انتخاب انجام شد و قبلا هم نمایش «سربداران» را در حسینیه ارشاد اجرا کرده بود. بعد از حضور سریال‌های دیگری مثل «هزارستان»، «سلطان و شبان» و... تولید شدند.

آیا در تولید «هزارستان» که زمان بر و طولانی بود با علی حاتمی چالشی نداشتید؟
در حد فاصلی که شهرک سینمایی آماده شود. حاتمی رفت و فیلم «حاجی واشنگتن» را ساخت.

آیا شما با این کار حاتمی مخالف بودید؟
من انتظار داشتم ساخت سریال اینقدر زمان بر و طولانی نشود و حاتمی هم دلائل خودش را داشت و مشکلاتی را که وجود داشت مانع شتاب گیری روند تولید سریال می‌دانست. البته از همان اوایل کار با حاتمی رفیق شدم.

شما مدیری سیاستمدار و اهل تعامل هستی...
سعی می‌کردم میانه رو باشم و با خیلی از هنرمندانی که معروف به توده‌های بودند هم تعامل داشتم. در میان کارگردان‌های حاضر در تلویزیون شهرام اسدی کمک‌های زیادی به ما کرد.

مشکل عمده و لاینحل نمایش «مرگ یزد گرد» بحث حجاب بازیگران زن بود. آیا شما در این زمینه به بیضایی تذکری نداده بودید؟
در زمان ساخت «مرگ یزد گرد» تازه انقلاب شده بود و موازین مشخص نبود و همه سردرگم بودند و متاسفانه در زمان تولید به این مسائل فکر نشد.

آیا شما حین تولید از روند کار بازدید داشتید؟
نه، موقعی مدیر شدم که تولید «مرگ یزد گرد» شروع شده بود و در اولین جشنواره میلاد سه فیلم از تلویزیون شامل «اشباح»، «مرگ یزد گرد» و «حاجی واشنگتن» حضور داشت و ویتترین جشنواره این آثار بودند و بعدش قضیه بازیگران زن «مرگ یزد گرد» پیش آمد و اکران فیلم منتفی شد.

ایده شکل گیری فارابی چگونه بود؟
سال ۶۲ آقای خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شد و انوار در سمت معاونت امور سینمایی حضور پیدا کرد و همه دوستان را برای اعلام طرح نقشه حیات سینمای نوین ایران دور هم جمع کرد. در کنار این جلسات در دفتر انوار با حضور محمد بهشتی، مسعود شاه‌ی، علی عباسی، نو رسته‌فر، شایوین حضور داشتند و در باره چگونگی راه آینده سینما ایده می‌دادند. در این جلسات چالش‌های تولید هم مطرح می‌شد. یکی از این چالش‌ها قیمت بالای عوارض بود. در پایان این فرآیند من، مجتبی اقدامی، آقاچانی، محمد مهدی دادگو و بعدها سیف‌الله داد با هدایت بهشتی ساختار فارابی را شکل دادیم.

آیا از بیرون گروه‌های رادیکالی به شما فشارهایی وارد می‌کردند؟

نمی‌دانستند ما چه کاری انجام می‌دهیم. برنامه ریزی ما طوری بود که فرصت دخالت را از آنها می‌گرفت.

در سال‌های اخیر تعدادی کارگردان مثل فرحبخش و مخملباف نقدهایی را به مدیریت فارابی در آن دوران وارد می‌کنند. چقدر این نقدها منصفانه است؟

در مورد مخملباف باید بگویم او آمد سال‌های بعد با ما همکاری کرد. در مورد نفر بعدی که اشاره کردید آن سالها اصلا فعالیت تولیدی نداشتند. البته ایشان با امیر توسل در حواشی سینما حضور داشتند و حرف‌هایش

مبتنی بر حرف‌های رقابیش و مطرح کردن نام خودش بود که اکران فیلم‌های خارجی برایشان در آن دوره سود آور بود و با قانونی که فارابی برای فیلم‌های خارجی وضع کرد کار و کاسبیشان کساد شد. من در این مورد به نامی اشاره نکردم و شما در سوالاتان به آن پرداختید.

برخی کارگردان هم عنوان می‌کردند فارابی با استفاده از مجله فیلم از برخی از فیلمها حمایت می‌کرد و به بقیه فیلم‌ها اعتنائی نداشت...

چه کسی این ادعا را مطرح کرده است؟

مثلا سعید ابراهیمی فر به این موضوع در گفتگویی اشاره کرده است.

ابراهیمی فر تنها فیلم موثرش «نار و نی» بود که برایش اعتبار آورد و آن هم با حمایت فارابی ساخت.

از اکران نارونی به شدت ناراضی بود...

تصور می‌کرد که «نار و نی» باید فیلم پرفروشی می‌شد. در صورتی که فیلم «نار و نی» فیلم هنری بود و مخاطب محدود داشت. درست عین فیلم‌های گروه هنر و تجربه که اکران و مخاطب محدودی دارند و توقعش بی جا است. فیلم‌های بعدیش برخی اکران نشدند که نه دیده شدند و نه فروشی داشتند. این ادعاها یک جور ساخته‌های ذهن عده‌ای است که برای خودشان خاطره سازی می‌کنند و چیزهای کم اهمیتی را بزرگ می‌کنند و تلاش می‌کنند علیه آن دوره حرف بزنند. آن دوره فارابی پناهگاه و یک جور بازوی حمایتی و هدایتی سینمای ایران بود.

آیا در این روند کاملا عدالت محور فارابی با تمام کارگردان‌ها و فیلم‌ها برخورد یکسان می‌کرد؟

بله، نگاه عادلانه بود و اولین کار ما راه اندازی تولیدات سینمای ایران با حضور کارگردان‌های جوانی نظیر عیاری، زکان، پوراحمد، اصغر هاشمی و... بود و با ساخته شدن فیلم‌های این فیلمسازان در فضای سینما پیچید که در فارابی چه کارهایی دارد صورت می‌گیرد و تولید رونق پیدا کرده و کم کم همه‌شان به فارابی مراجعه کردند.

آیا برای حمایت چارچوب‌هایی داشتید؟
محدود بود مثلا اینکه موضوعی مخالف با اهداف انقلاب در فیلم‌ها وجود نداشته باشد.

بودجه فارابی از چه منابع تامین می‌شد؟
بیشتر تمرکز روی وارد کردن و اکران فیلم‌های خارجی و فروش فیلم‌هایی که تولید شده بود داشتیم و بودجه‌ای که به ما می‌دادند سالانه چیز محدودی بود و البته تمرکز من بیشتر روی این بود که چه فیلم‌هایی بسازیم که مورد استقبال مردم، افکار عمومی و حاکمیت قرار بگیرد.

در آن موقع که مخملباف به فارابی مراجعه کرد آیا دچار چالشی شدید؟

مخملباف کارگردان رادیکال مذهبی بود که بتدریج تغییر رویه داد و از توبه نصح به بایکوت و ساخت فیلم‌های هنری گرایش پیدا کرد. در آن دوره آمد با فارابی همکاری کرد.

آیا شما از این همکاری راضی بودید؟

دوست داشتیم رویه متعادلی داشته باشد. نکته مهم این بود کمکی که به هر بچه انقلابی می‌کردیم معادل با کمکی بود که به فیلمساز عادی و قدیمی می‌کردیم. در این پروسه بود که کارگردان‌هایی مثل حاتمی کیا، ملاقلی پور، تبریزی و... با قدیمی‌ترها مثل کیمیایی و حاتمی رقابت می‌کردند تا سطح کاریشان به آنها نزدیک بشود.

آیا با مخملباف وارد چالش کلامی شدید؟

یک سری چیزهای شخصی وجود دارد که نمی‌شود مطرح کرد و مشکل مخملباف با من از زمان زندان به وجود آمده بود.

مگر در زندان هم بند بودید؟

نه، از قبل از انقلاب با او ارتباطی داشتم و سوء تفاهماتی درباره من در ذهن داشت درباره فعالیت‌های مذهبی که در قبل از انقلاب در مسجدی در میدان خراسان داشتیم و چیزهایی لورفته بود و تصور کرده بود که کار من بوده است. و البته بعدا رفع سوء تفاهم شد و با هم دوست شدیم.

با ضیاءالدین دری هم در تهیه چند فیلمش مشارکت داشتید...

با دری در اوایل انقلاب و اوج فعالیت‌های فارابی رفاقتی داشتم و رفت و آمد داشتیم و کتاب کلاه پهلوی را چاپ کرد و بعد از رفتنم از فارابی دوست داشت در کارهایی که می‌سازد در کنارش باشم.

آیا شما را می‌توانیم یک آرتیست بدانیم. با توجه به بازیگری شما به خصوص در سریال «کیف انگلیسی» که نقش را به شایستگی بازی کردید؟

در اولین فیلم سیف‌الله داد «زیر باران» به خاطر رفاقت با او بازی کردم و بیشتر جنبه حمایتی داشت. بعد از این کار در «روز واقعه» بازی کردم و اسدی دوست داشت به خاطر حمایت‌های من از تولید فیلمش بازی از من در فیلمش یادگاری بماند. برای بازی در «کیف انگلیسی» دری پیشنهاد بازی را داد و گفت چون قیافه و منش ات شبیه به مرحوم مهندس بازرگان است بیا در سریال بازی کن. آدمی شیک و پیک و کراواتی و مذهبی که ضمن داشتن نگاه دینی با روحانیت عین بازرگان رابطه خوبی دارد.

آیا قبول دارید بهترین بازیتان در سریال «کیف انگلیسی» رقم خورد؟

هیچ وقت مدعی بازیگری نبوده‌ام و البته این نقشم را خیلی دوست دارم. خانواده با بازیگری من خیلی موافق نبودند.

این روزها به چه کاری مشغول هستید؟

نگارش آخرین کتابم به نام «ملاقات آخوند» به پایان رسیده و قرار است به زودی در انتشارات وصف صبا وارد بازار نشر بشود. مضمون کتاب درباره مواجهه آخوند خراسانی با جنبش مشروطه است.